

## بررسی تاثیر تدریس فعال در دانش آموزان ابتدایی

فرانک مردانی مجد ۱ ، معصومه محمدی مهر ۲

۱ ، ۲-آموزگار ابتدایی شهرستان کرمانشاه

### چکیده

اهمیت یادگیری و بکارگیری روش تدریس مناسب که بیشترین نتیجه را در تغییر رفتار دانش آموزان ایجاد نماید همواره مورد توجه دانشمندان و محققین علوم تربیتی بوده است. آینده ای که امروز پیش بینی می شود از راه خواهد رسید اگر بدانیم که می خواهیم چگونه باشد می توانیم بر آن اثر بگذاریم. بدیهی است شناخت و بهره گیری از روشهای نوین تدریس از مسائل بسیار مهمی است که باید بدان اهمیت گماریم. فرزندان ما در کلاسهای درسی خود از روشهای بهره می جویند که در ۵۰ سال پیش بکار می رفت. چنانچه ما حقیقتاً بخواهیم آنان را بعنوان نیروی کار آینده آماده کنیم باید درک درستی از روش های آموزشی نوین داشته و آنان را به صورت متناسب طرح ریزی و بکار گیریم. بسیاری از معلمین از فضای غیر فعال و شرایط خشک و غیرواقعی کلاسهای خویش ناراضی هستند آنان به دنبال روشی هستند که بتوانند در دانش آموزان انگیزه کافی جهت کسب دانش و انجام فعالیت های آموزشی ایجاد کند. بحث دهه های اخیر میان مربیان توجه به این مطلب است که چگونه می توان یادگیری را به بهترین نحو آسان ساخت و بازده آن را افزایش داد. تجزیه و تحلیل های بدست آمده خاطر نشان می سازد که نقاط ضعف آموزشی در سیستمهای انتقال مشترک است.

**واژه های کلیدی:** تدریس فعال ، دانش آموزان، ابتدایی

**مقدمه**

امروزه با تغییرات مداوم دانش در بازه‌های زمانی کوتاه، دانش‌آموزان باید یادگیرندگانی مادام‌العمر تربیت شوند. این شرایط با ارائه آموزش‌های صحیح و همکاری دانش‌آموزان امکان‌پذیر است. درک روزافزونی وجود دارد که دانش‌آموزان برای یادگیری در یک محیط در حال تغییر به انجام کارهایی بیشتر از گوش‌دادن نیاز دارند. آن‌ها نیاز دارند چگونگی مدیریت انجام فعالیت‌ها را فراگیرند. یادگیری فعال عنصری کلیدی در فرایند یادگیری است و بیشتر شیوه‌ها و سبک‌های یادگیری آن را مؤلفه‌ای حیاتی می‌بینند. پاولسون و فاوست (۲۰۱۰) به یادگیری فعال به‌عنوان هر کاری که دانش‌آموزان در کلاس درس انجام می‌دهند، به غیر از گوش‌دادن منفعلانه به سخنرانی معلم، اشاره می‌کنند. یادگیری فعال استقلال یادگیری دانش‌آموزان را تقویت می‌کند و مهارت‌های یادگیرندگی مادام‌العمر را به آن‌ها آموزش می‌دهد. همچنین، فرصت مشارکت و کنترل بیشتر بر یادگیری را به دانش‌آموزان می‌دهد. علاوه بر این، شواهدی وجود دارند مبنی بر اینکه رویکردهای یادگیری فعال یادگیری دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهند و در فراگیرسازی کلاس‌های درس ابزار مؤثری هستند. یکی از مقوله‌های مهم در آموزش و پرورش فرایند یاددهی و یادگیری است. به عبارت دیگر تمامی فعالیت‌های آموزش و پرورش در جهت بسترسازی مناسب برای تحقق این فرایند می‌باشد. در رأس این فرایند، دانش‌آموزان قرار دارند و همه فعالیت‌ها، مانند تأمین معلم، مواد آموزشی، فضای آموزشی و ... در خدمت او قرار می‌گیرد. مفهوم فرایند یاددهی - یادگیری در این فرایند واژه‌های تدریس، یادگیری، ارزشیابی، مواد آموزشی، تعامل معلم و دانش‌آموزان و ... مطرح می‌باشد که تعاریف واژه‌های اصلی ارائه می‌شود.

۱- تدریس: تعامل یا ارتباط متقابل معلم با دانش‌آموز بر اساس طرح منظم و هدفدار به منظور تغییر در رفتار را تدریس نامند.

۲- یادگیری: تغییر در طرز تفکر و مهارت‌های ذهنی و حرکتی را یادگیری نامند.

۳- ارزشیابی: فرآیندی منظم برای تعیین و تشخیص میزان پیشرفت شاگردان در رسیدن به هدفهای آموزشی.

۴- مواد آموزشی: شامل کتاب، فیلمهای آموزشی، مجلات و ... که محتوای یادگیری تلقی می‌شود.

**اهداف در فرایند یاددهی - یادگیری**

کمیت بین المللی آموزش در قرن بیست و یکم یادگیری را بر چهار ستون استوار می‌داند:

۱- آموزش برای یادگیری

۲- آموزش برای عمل کردن

۳- آموزش برای زیستن

۴- آموزش برای همزیستی.

با یک نگاه کلی می‌توان استنباط کرد که آموزش در وضعیت فعلی در جهت یادگیری ماندگار و استاندارد نیست، بلکه صرفاً جهت کسب نمره است.

همچنین آموزش‌های فعلی مهارت لازم را به بچه‌ها نمی‌دهند و آنها بدون کسب مهارت فارغ التحصیل می‌شوند. در عین حال آموزش فعلی با اشتغال و زندگی همگونی کمی دارد و خرد جمعی و کارهای مشارکتی کم رنگ است. بنابراین خلاء موجود بین وضع موجود و وضع مطلوب تماماً نشانه‌های آسیب در فرایند یاددهی و یادگیری است. نکته مهمتر این است که در فرایند آموزش، روش یادگیری مهم است، تا دانش‌آموزان با دانستن روشها بتوانند با مسائل برخورد کنند و مشکلات خود را حل کنند. ( هسته اصلی فرایند تدریس، ترتیب دادن محیطی است که در آن شاگردان بتوانند تعامل کنند و نحوه یادگیری را بررسی نمایند.

۵- روش یادگیری همان روش فکر کردن است که هدف اصلی در فرایند یاددهی و یادگیری است. ( اندیشیدن دانش‌آموزان در جریان آموزش برجسته‌ترین ویژگی فعالیت‌های آموزش در ژاپن است).

۶- فکر کردن پاسخی است که انسان به مشکلات خود می‌دهد و این پاسخ متضمن دستیابی به حل مساله است. فکر، راهنمای عمل است. ( هدف عمده آموزش باید وادار کردن دانش‌آموزان به تفکر باشد. اساس یادگیری نحوه تفکر است که باید به شاگردان تعلیم داده شود).

۷- بنابراین باید فعالیتهای کلاس، مواد آموزشی، روشهای تدریس و ... تماماً باید تفکر را تحریک کند. (هر یاد درونی که نتواند تفکر و تخیل یادگیرنده را تحریک کند جز خاراندن حافظه نقش دیگری ایفا نکرده است).

۸- خلاقیت و حل مسأله محصول تفکر است. در کلاس هایی که به دانش آموزان اجازه داده می شود فکر کنند، نظر دهند، سؤال و پرسش نمایند و حتی خلاف عرف و عادت نظر دهند (تفکر واگرا) دانش آموز پویا است و احساس خستگی نمی کند، در غیر این صورت چنانچه فقط شنونده باشد و انتظارات مشخص از او خواسته شود او را در آسیب بزرگی گرفتار کرده ایم، در این حالت او احساس بد بینی پیدا می کند، انگیزه خود را از دست می دهد، هویت خود را شکست خورده می بیند و ... اگر کلاس شاد و براساس علاقه باشد و در مناسبات تعامل مطلوب برقرار شود، باعث می گردد فردی مانند انیشتن که او را کودن تلقی می کردند به یک دانشمند تبدیل شود. (استاد مطهری بیان داشته اند که مغز فراگیران را به صورت انبار نباید تلقی کرد، بلکه هدف پرورش نیروی فکر است). یکی از اهداف مهم، پرورش تفکر انتقادی در دانش آموز است. انتظار این است که دانش آموزان پس از فارغ التحصیل شدن در زمینه های مختلف اهل نظر بوده و بتوانند مسائل را نقد و تحلیل نمایند. لازمه رسیدن به چنین هدفی شروع فعالیتهای از دوران ابتدایی است تا آنها عملاً مخالفت کردن، موافقت کردن، معاشرت کردن، مباحثه کردن را تمرین کرده باشند. دانشمندان ترین دانشمندان هم اگر مغز سیاسی و فهم سیاسی نداشته باشد با یک آب نبات به سوی دشمن می رود و مجذوب او می شود. استاد شریعتی هم در جمله ای زیبا فرموده اند: انقلابی شدن بیش از هر چیز مستلزم یک انقلاب ذهنی، یک انقلاب در بینش و یک انقلاب در شیوه تفکر است.

آموزش تفکر انتقادی شامل ایجاد عمدی یک جو نامتعادل است تا شاگردان بتوانند فرایندهای فکری خود را تعریف و اصلاح کنند و دوباره بسازند. عامل اصلی در تفکر انتقادی توانایی طرح پرسشهای مربوط به نقد و بررسی راه حلها بدون مطرح نمودن جایگزینهاست. مهارتهای تفکر انتقادی باید از طریق تلاش در تمرین تفکر انتقادی و تحلیل از دروس مختلف رشد و توسعه یابند. برای رسیدن به این هدف، معلم باید بکوشد فضایی در کلاس ایجاد کند که در آن حس کنجکاوی طبیعی شاگردان شکوفا شود. علاقه شاگردان را پس از جلب کردن افزایش دهد، سپس باید حالت کنش متقابل میان شاگردان و استاد بر جو کلاس حاکم شود در این حالت تفکر انتقادی رشد می کند. بنظر می رسد در این زمینه مدارس ما دچار آسیب جدی هستند؛ یعنی فعالیت دانش آموزان در جهت پرورش تفکری انتقادی هدایت نمی شود. یکی دیگر از هدفهای اساسی یادگیری، استاندارد یادگیری است. یادگیری استاندارد، ب دانش، مهارت و نگرشهای اساسی براساس اهداف آموزش می باشد.

در شرایط فعلی بین نمره کسب شده و درصد قبولی دانش آموزان با یادگیری استاندارد آنها همخوانی وجود ندارد. چرا که اکثر سؤالات امتحانی استاندارد نیستند و تمام سطوح شناختی را نمی سنجنند. بنابراین یکی دیگر از آسیب های جدی در فرایند یاددهی - یادگیری نظام ارزشیابی است. امتحان به خودی خود هدف نیست بلکه ابزار و وسیله ای برای ارزشیابی یادگیری در راستای اهداف پیش بینی شده است. در صورتی که بخش اعظم واقعیت های علمی و مندرجات کتابهای درسی زمینه و محلی برای اندیشیدن، مفهوم سازی، مهارت پروری و ... هستند و نه گفته ها و نوشته های مقدسی که همه دانش آموزان ملزم به پس دادن آنها در جلسه آزمون و ارزیابی باشند. معلمان باید به این آگاهی و مهارت برسند که هدفهای متعالی برنامه را همراه با مفاهیم مهم و اساسی کتاب و نه همه متن کتاب را، هدف آزمون و ارزیابی قرار دهند. در کنار این مطلب اندازه گیری با مقیاس ۲۰ مورد نقد است و باید این مقیاس به حروف الف، ب، ج، د و ه تغییر یابد. جمع بندی: اهداف آموزش در سه حیطه شناختی عاطفی، روانی حرکتی تقسیم شده است.

در تقسیم بندی های جدید بیشتر اهداف دانستن، مهارتی و نگرشی مطرح می گردد. در مجموع این اهداف با هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش که همان انسان سازی است پیوند می خورد. انسان سازی در معنای عام همان تربیت است. به عبارت دیگر آموزش و پرورش فراهم کننده زمینه های لازم برای تربیت است. تربیت ابعاد مختلف انسان مانند بعد عاطفی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، اعتقادی، جسمی، ذهنی را دربر می گیرد.

### رویکردهای فرایند یاددهی - یادگیری و آسیب شناسی آن

در مجموع می توان این فرایند را در دو رویکرد مورد بررسی قرار داد. ۱- رویکرد نوین ۲- رویکرد سنتی

رویکرد نوین: در این رویکرد معلم نقش راهنما و تسهیل کننده را بر عهده دارد و دانش آموز در فرایند تدریس با فعالیتهای خود، مهارت و توانایی های بالقوه خود را به فعالیت در می آورد. در این رویکرد دانش آموز فعال است، مسائل را کشف و حل می کند، سوال می کند و با همیاری دیگران یاد می گیرد و در نهایت فرایند محور است.

رویکرد سنتی: در این رویکرد معلم، محور و ارائه دهنده اطلاعات و دانش آموز، شنونده و حفظ کننده مطالب است در این رویکرد دانش آموز فعال نیست، لکه معلم فعال است و سعی می کند مطالب را از طریق سخنرانی یا توضیحی به نمایش بگذارد، دانش آموز به عنوان یک بانک فرض می شود که باید اطلاعات به آن سپرده شود. در این رویکرد پاسخ ها و نمره های دانش آموز مهم است، رنهایت این رویکرد نتیجه محور است.

بنابراین به نظر می رسد تبدیل رویکرد غیر فعال به فعال، نمایشی اکتشافی، بانکی به حل مساله، پاسخ محور، سوال محور، یادگیری فردی به یادگیری همیاری، و ... با هدف خلاقیت دانش آموزان از ضروریات گذر از آسیب های موجود تلقی می شود.

### ویژگیهای رویکرد نوین در فرایند یاددهی - یادگیری

- ۱- معلم هدایت گر و تسهیل کننده جریان یادگیری است.
- ۲- دانش آموزان در فعالیت های کلاسی فعال هستند.
- ۳- دانش آموزان در فعالیت های کلاسی مسائل را بررسی و حل می کنند.
- ۴- دانش آموزان فرضیه های خود را آزمایش و نتیجه گیری می کنند.
- ۵- دانش آموزان علاوه بر پاسخ سوالات به طراحی سوال می پردازند.
- ۶- دانش آموز با همیاری دیگران به یادگیری می پردازند.
- ۷- دانش آموزان پژوهش می کنند و نتیجه آن را در کلاس گزارش می نمایند.
- ۸- منبع یادگیری علاوه بر کتاب شامل مواد آموزشی دیگر نیز می باشد.
- ۹- ملاک یادگیری استاندارد، پیشرفت می باشد.
- ۱۰- رشد فرایندهای پیچیده ذهنی ( نقد و بررسی، استدلال، تجزیه و تحلیل، خلاقیت ) مفهوم سازی، خلاصه کردن، قضاوت و ... هدف است.

- ۱۱- علاوه بر جنبه تمرینی جنبه کاوشگری دارد.
- ۱۲- فرصت خود ارزیابی برای دانش آموزان فراهم می شود.
- ۱۳- ارزشیابی مستمر در جریان تدریس صورت می گیرد.
- ۱۴- در ارزشیابی علاوه بر دانستنیها به مهارت و نگرش ها نیز توجه می شود.
- ۱۵- هر دانش آموز با خودش مقایسه می شود.
- ۱۶- دانش آموزان به تولید مفاهیم می پردازند.
- ۱۷- فرصت فکر کردن برایشان فراهم می شود.
- ۱۸- فرصت موافقت و مخالفت موضوعات فراهم می شود.
- ۱۹- مهارتهای شناختی سطوح بالا مانند مهارت مشاهده تقویت می شود.
- ۲۰- زمینه برای مهارتهای اجتماعی، از طریق تبادل نظر در گروه فراهم می شود.
- ۲۱- دانش آموزان با درگیر شدن در فعالیتهای به آموختن علم می پردازند.
- ۲۲- اجازه داده می شود دانش آموزان وسایل آموزش ساده را تهیه کنند.
- ۲۳- گردش علمی در فرایند تدریس برنامه ریزی می شود.
- ۲۴- دانش آموزان براساس محتوای کتاب نحوه یادگیری را بررسی می نمایند.

### ویژگیهای رویکرد سنتی در فرایند یاددهی - یادگیری

این ویژگیها در واقع آسیب هایی هستند که در فرایند یاددهی - یادگیری مدارس ما وجود دارند و باید به سمت ویژگیهای نوین تغییر یابند.

- ۱- معلم فعال است و مطالب را به طور کامل ارائه می دهد.
- ۲- معلم راه حل ها و پاسخ را ارائه می دهد.
- ۳- دانش آموزان فقط پاسخ ها را حفظ می کنند.
- ۴- دانش آموزان به تنهایی یاد می گیرند.
- ۵- منبع یادگیری فقط کتاب است.
- ۶- ملاک یادگیری کسب نمره است.
- ۷- رشد فرایندهای ساده ذهنی هدف است (شنیدن، حفظ کردن، نمره فراموشی).
- ۸- تکالیف بدون هدف و خسته کننده است.
- ۹- ارزشیابی از یادگیری بیشتر در محدوده دانستنی ها است.
- ۱۰- دانش آموزان از فعالیتهای خود و دیگران ارزشیابی نمی کنند.
- ۱۱- ملاک یادگیری در ارزشیابی بیشتر در مقایسه با دیگر دانش آموزان است.
- ۱۲- دانش آموزان مفهوم آموزی می کنند.
- ۱۳- ارزشیابی پایانی بیشتر ملاک عمل است.
- ۱۴- موضوعات آزمایشگاهی نیز به صورت تئوری و نوشتاری یاد گرفته می شود.

#### یادگیری فعال به چه معناست؟

برای اینکه یادگیرندگان بتوانند اطلاعات و ایده های جدید را جذب کنند، باید آن ها را با دانش موجود خود پیوند دهند تا به پردازش و درک مطالب جدید قادر باشند. این جریان فرایندی فعال است که می تواند در طول طیف وسیعی از فعالیت های یادگیری رخ دهد. می توان آن را با نگاه سنتی به یادگیری مقایسه کرد که در آن معلم در درجه اول با دانش آموزان صحبت می کند و به سادگی فرض می کند آن ها بدون نیاز به بررسی، آنچه را گفته شده است درک خواهند کرد. یادگیری فعال مستلزم آن است که دانش آموزان فکر کنند و با استفاده از دانش و مهارت های جدید تمرین کنند تا یادآوری طولانی مدت و درک عمیق تر را توسعه دهند. این درک عمیق تر همچنین به یادگیرندگان امکان می دهد ایده های متعدد را با هم مرتبط و خلاقانه فکر کنند (فایبو، ۲۰۱۲ و سنجش کمبریج، ۲۰۲۰).

#### نظریه های یادگیری فعال

یکی از نظریه های پشتیبان یادگیری نظریه سازنده گرایی است. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که افراد از طریق ایجاد دانش و پیوند ایده ها و تجربه های جدید به دانش و تجربه های موجود یاد می گیرند (برانسفورد و همکاران، ۱۹۹۹). این نظریه که پیازه و دیگران آن را توسعه داده اند، بیان می کند که یادگیرندگان می توانند اطلاعات جدید را در چارچوب موجود جذب کنند یا می توانند آن چارچوب را تغییر دهند تا اطلاعات جدیدی را که با درک قبلی در تضادند، در خود جای دهند. رویکردهایی که یادگیری فعال را ترویج می کنند، غالباً به طور صریح از دانش آموزان می خواهند بین اطلاعات جدید و مدل های ذهنی فعلی خود ارتباط برقرار کنند و درک خود را گسترش دهند.

در موارد دیگر، معلمان ممکن است نوعی از فعالیت های یادگیری را طراحی کنند که به دانش آموزان اجازه می دهند با برداشت های نادرست خود روبه رو شوند تا بتوانند نمونه های ذهنی خود را بر اساس درک دقیق تر بازسازی کنند. رویکردهایی که از یادگیری فعال پشتیبانی می کنند، نوعی کار شناختی را ترویج می کنند که نظریه یادگیری برای یادگیری آن را ضروری می داند. رویکردهای یادگیری فعال غالباً استفاده از گروه های یادگیری مشارکتی را در بر می گیرد و می تواند رویه ای مبتنی بر سازنده گرایی اجتماعی داشته باشد که بر سهم تعامل اجتماعی تأکید ویژه ای دارد.

ویگوتسکی رابطه بین فرایندهای شناختی و فعالیت های اجتماعی را این گونه بیان می کند: یادگیری زمانی اتفاق می افتد که دانش آموزان مسائلی را فراتر از سطح رشد فعلی خود، با حمایت مربی یا همسالان خود حل کنند (ویگوتسکی، ۱۹۷۸).

بنابراین، رویکردهای یادگیری فعال که بر کار گروهی متکی هستند، بر این شاخه اجتماعی- فرهنگی نظریه یادگیری سازنده‌گرایی تکیه و از تعامل هم‌سالان برای ارتقای توسعه نمونه‌ها و سبک‌های ذهنی گسترده و دقیق دانش‌آموزان استفاده می‌کنند.

### روش های تدریس فعال:

در کتب مربوط به روشهای تدریس، شیوه‌های زیر به عنوان روشهای تدریس فعال نام برده است.

۱- پرسش و پاسخ

۲- حل مساله

۳- کتاب خوانی

۴- پیش سازمان دهنده

۵- آزمایشگاهی

۶- اکتشافی

۷- بحث گروهی

۸- همیاری

اینک به شرح مختصر هر یک را روش‌های فوق می‌پردازیم.

### ۱- روش بحث گروهی:

این روش یکی از کهن‌ترین روشهای است که در طول تاریخ تعلیم و تربیت به کار رفته است. بحث گروهی گفتگویی است سنجیده و منظم پیرامون موضوعی که مورد علاقه مشترک افراد شرکت کننده می‌باشد و قاعدتاً یک نفر به عنوان رهبر گروه را اداره می‌کند. در این روش به افراد فرصت داده می‌شود تا نظارت، عقاید، تجربیات، خود را با دیگران در میان بگذارند.

جان دیویی معتقد است: بحث گروهی در یک جامعه مردم‌سالار باید روش اساسی یادگیری تحصیلی و اجتماعی باشد محاسن و محدودیتهای روش بحث گروهی به شرح ذیل می‌باشد.

الف: محاسن

۱- در بحث گروهی افراد می‌توانند در عقاید و تجربیات یکدیگر سهیم شوند.

۲- همکاری گروهی و احساس دوستی در بین اعضاء تقویت می‌شود.

۳- فرضی فراهم می‌شود که افراد خود را مورد ارزیابی قرار دهند.

۴- اعتقاد به نفس در تقویت می‌شود و به سوجه نگاری در آنها ایجاد می‌گردد.

۵- بحث گروهی، هراس افراد کمرو و خجالتی را برای صحبت کردن در حضور جمع کاهش می‌دهد.

ب: محدودیتهای

۱- این روش را برای تعداد کم حدود (۶۰-۲۰) نفر می‌تواند بکار برد و در گروههای که تعداد آنها بیش از ۲۰ نفر باشد روش بحث گروهی مشکل می‌شود.

۲- این روش برای دانش‌آموزان خرد سال دوره ابتدایی کارایی زیادی ندارد، زیرا بحث و تفحص کردن احتیاج به فکر و تعقل دارد که این توانایی در کودکان سنین پایین رشد کافی نکرده است ولی از دوره راهنمایی به بالا می‌توان از این روش استفاده کرد.

۳- اگر در این روش افراد درست سازماندهی نشوند و افراد شرکت کننده نقش خود را به خوبی ایفا نکنند، نتیجه مفیدی عاید نخواهد شد.

۴- روش بحث گروهی را در تمام موضوعها و درسها نمی‌توان بکار برد، بلکه از این روش در زمینه‌هایی که جنبه اجتماعی دارد و تمام افراد در آنها علاقه مشترک دارند استفاده می‌شود.

### ۲- شیوه پرسش و پاسخ:

پرسش و پاسخ فنی است که می تواند در کلیه روشهای تدریس و فعالیت های آموزشی به کار رود. به ویژه هنگامی که معلم می خواه دانش آموز را به تفکر در باره مفهومی جدید یا بیان مطالبی که آموخته شده است تشویق کند.

این فن، ممکن است برای مرور کردن مطالبی که قبلاً تدریس شده است مفید باشد و یا وسیله مناسبی برای ارزشیابی میزان درک دانش آموزان درباره مفاهیم مورد نظر باشد.

سقراط فیلسوف شهیر یونانی که در فاصله سالهای (۳۳۹-۴۷۰) قبل از میلاد مسیح می زیست روش ویژه ای را برای اثبات سهو و خطا و رفع شبهه از اذهان به کار می برد. وی به وسیله سوال و جواب و مجادله، پس از آنکه خطای مخاطب را ظاهر می کرد، به همان ترتیب، مقاله و پرسش و پاسخ را دنبال کرده، تا به کشف حقایق نائل آید.

در روش سقراطی معلم صحبت نمی کند، بلکه دو سوال می کند و شاگردان سخن می گویند اما سوالها به گونه ای تنظیم و مطرح می شوند که شاگرد را از جهل خویش نسبت به موضوع آگاه می گردانند و اندیشه او برای دستیابی به حقیقت ژرفا می بخشد. روش سقراطی از چند ویژگی برخوردار است.

- نخستین هدف سقراط، کنکاش درباره مسئله مورد نظر بود، سقراط به آموختن حقایق ویژه و مسائل جزئی کمتر اهمیت می داد زیرا قصدش این بود که مهارت شاگردان برای کشف حقایق پرورش دهد.

- همانطور که اشاره شد در روش سقراطی، نقش معلم عمدتاً شامل پرسیدن و نقش شاگردان در سازماندهی و به کارگیری دانش و تجربه گذشته خود برای پاسخ دادن به سوالها بود.

- روش سقراطی نه تنها روش جدلی (دیالکتیک) و شامل بخش متقابل بین شاگرد و معلم بود، بلکه استقرایی نیز بود، یعنی از جزئیات به کلیات می رسید.

- سقراط معمولاً بحث خود را با یک سوال عادی درباره مفاهیمی از قبیل شهامت، عدالت و پرهیزگاری، تقوا و غیره آغاز می کرد. به تدریج به شاگردان می فهماند که درست در نقطه ای که آنها بیش از حد، خود را دانا می پنداشتند، جاهل و نادان بودند، شاگردانش در آغاز بحث از سقراط می رنجیدند، اما بعداً از خویشتن شرمسار می گشتند. سقراط در روش خود، هدفهای آموزشی ویژه ای برای شاگردان خود در نظر نداشت، بلکه می خواست، آنان کاوشگران خوبی تربیت شوند. (صفوی، امان الله ۱۳۷۰)

برای استفاده صحیح از این شیوه در تدریس، دقت و توجه به مسائل زیر لازم و ضروری است:

- میزان فراگیری را افزایش می دهد.

- دانش آموزان را به تفکر وادار می دارد.

- باعث هوشیاری استاد می شود.

- از تجربیات کلاس استفاده می شود.

- تاکید بر روش مفاهیم مهم درسی

- ارزیابی کار آیی تدریس (بیان، حسام الدین، ۱۳۷۲)

### ۳- روش حل مساله:

حل مساله فرایندی است برای کشف و تربیت صحیح راههایی که به یک هدف با یک راه حل منتهی می شود. در موقعیتی که انسان با مساله روبرو می شود. باید بر موانع یا مشکلاتی که بر سر راه رسیدن به هدف وجود دارد غلبه کند. در روانشناسی «مساله» معمولاً به محیط بیرونی خود مربوط می شود، مانند، معما و مساله ریاضی که برای هر یک راه حل و پاسخ مشخص یافت می شود عامل اصلی در حل مساله، عبارتست از کاربرد تجربه قبلی فرد برای رسیدن به راه حل و پاسخی است که بیش از آن برای استفاده انسان شناخته شده نبوده است و حداقل در موقعیت ویژه ای که شخص در آن قرار دارد، تجربه، دانش، مهارت گذشته پیش نیاز حل مساله محسوب می شود. (صفوی، امان الله ۱۳۷۰)

### ۴- روش کتابخوانی

«یکی از روشهای کاملاً مفید در میان روشهای تدریس، روش کتابخوانی است (کاظمی، یحیی، ۱۳۷۴) در این روش نقش معلم بسیار کم است و یادگیرندگان در جریان یادگیری به خود متکی هستند. آنها خود درسی جدید را می خوانند و خودشان در کلاس ارائه می دهند باید توجه داشت که در این روش فقط یک نفر در کلاس درس را بلکه (پس از ارائه مقدمات توسط معلم) همه افراد کلاس همزمان شروع به مطالعه می کنند و برای چند دقیقه کلاس تبدیل به کتابخانه می شود پس از اتمام مهلت مطالعه از یادگیرندگان می خواهد که حاصل مطالعه خود را بیان کنند.

#### منابع

- ۱- شعبانی - حسن - مهارتهای آموزش و پرورش - انتشارات سمت ۱۳۷۱
- ۲- قورچان نادرقلی - جزئیات روشهای تدریس - انتشارات دفتر همکاریهای علمی بین المللی ۱۳۷۹
- ۳- شعبانی - حسن - مهارتهای آموزش و پرورش - انتشارات سمت ۱۳۷۱
- ۴- رؤف علی - یاددادن برای یادگیری - انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۸
- ۵- شعبانی - حسن - مهارتهای آموزش و پرورش - انتشارات سمت ۱۳۷۱
- ۶- سرکار آرانی - محمد رضا - آموزش و پرورش ژاپن - انتشارات دفتر همکاریهای علمی و بین المللی ۱۳۷۹
- ۷- امیلی - جزایا - مترجم آموزش و پرورش تفکرانتقادی - انتشارات سمت ۱۳۷۴
- ۸- رؤف علی - یاددادن برای یادگیری - انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۸